

پژوهشهای حقوقی

شماره ۵

هزار و سیصد و هشتاد و سه - نیمسال اول

مقالات

- چالش‌های ورود کشورهای اسلامی به نظام حقوقی - اقتصادی بین‌المللی با تأکید بر ایران
- علنی بودن دادرسی در پرتو اسناد بین‌المللی و حقوق داخلی
- تفسیر قضائی قانون اساسی در رویه دیوان عدالت اداری
- ساخت دیوار حائل در سرزمین اشغالی فلسطین: دیوان بین‌المللی دادگستری به عنوان حافظ صلح و امنیت بین‌المللی
- قطعنامه سپتامبر ۲۰۰۴ و عملکرد شورای حکام آژانس بین‌المللی انرژی اتمی در آزمون اجرای حقوق بین‌الملل
- جنبه‌های حقوقی قراردادهای سرمایه‌گذاری بیع متقابل (Buy Back)
- حمایت از حق ثبت اختراعات در سازمان جهانی تجارت
- شیوه‌های جبران خسارت ناشی از نقض تعهد قراردادی در کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا
- تعقیب کیفری کارگزاران عالی رتبه دولت‌ها در دادگاه‌های داخلی به اتهام ارتکاب جرائم بین‌المللی (دعوی کنگو علیه بلژیک در دیوان بین‌المللی دادگستری)

موضوع ویژه: نارسایی‌های حقوق شرکت‌های تجاری در ایران

- میزگرد راجع به ابعاد حقوقی سرمایه در شرکت‌های سهامی
- طرح پیشنهادی اصلاح ماده ۵ قانون اصلاح قسمتی از قانون تجارت راجع به سرمایه اسمی شرکت
- حقوق سهامداران اقلیت در ادغام شرکت‌های تجاری
- نظارت بر عملکرد مدیران شرکت‌های سهامی عام توسط نهادهای دولتی در حقوق انگلیس و ایران
- تشریفات قانونی انتقال سهام در شرکت‌های سهامی

نقد و معرفی

- تأملی بر قطعنامه ۱۵۵۹ شورای امنیت در مورد حاکمیت لبنان و خروج نیروهای بیگانه از این کشور





چالش‌های ورود کشورهای اسلامی به نظام حقوقی - اقتصادی بین‌المللی با تأکید بر ایران

دکتر بهروز اخلاقی*

چکیده: ورود کشورهای اسلامی به نظام حقوقی - اقتصادی بین‌المللی و از جمله عضویت در سازمان جهانی تجارت هر روز بیشتر ضرورت خود را به منصفه ظهور می‌رساند. با اینکه این کشورها در طی این طریق با چالش‌های مختلفی مواجه هستند ولی صرف ورود آنها به سازمان جهانی تجارت علاج تمام دردهای اقتصادی آنها نیست و باید با الگو قرار دادن کشورهایی چون کره جنوبی برای نیل به توسعه واقعی تلاش کنند.

کلیدواژه‌ها: سازمان جهانی تجارت، اقتصاد بین‌الملل، حقوق تجارت بین‌الملل، سرمایه‌گذاری، قانون تجارت، جهانی شدن.

مقدمه: حقوق و اقتصاد کشورهای اسلامی در بستر روند جهانی شدن

امروزه جهانی شدن به طور اعم و جهانی شدن اقتصاد به طور اخص به یکی از موضوعات بحث‌انگیز، چندبُعدی و در عین حال جنجال‌آفرین تبدیل شده است. در ارتباط با جهانی شدن به طور عام، دو طرز تفکر ملاحظه می‌شود: یکی نگرش بدبینانه به جهانگرایی به عنوان پروژه‌ای تحمیلی، و دیگر تلقی خوش‌بینانه به عنوان فرآیندی تعمیمی و در تعارض با هویت‌های ملی. مخالفان، جهانگرایی را موجب تهاجم فرهنگ غربی، گسترش استکبار جهانی، تشویق ایدئولوژی مصرف‌گرایی و مسخ هویت ملی، ادغام فرهنگ‌های ملی و ترویج سکولاریسم مادی‌گرایی، نسبیت‌گرایی و لیبرالیسم فرهنگی، تهدید ادیان، اعتقادات

* دانشیار دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، وکیل پایه یک دادگستری

و باورهای ملی کشورهای جهان سوم، غرب زدگی و در نتیجه پریشانی و سردرگمی ملی، اخلاقی، روانی و... می‌دانند.^۱

موافقان و مدافعان جهانگرایی، جهانی‌شدن را فرآیند توسعه تکنولوژی ارتباطات و اطلاعات الکترونیکی، و موجب به هم پیوستگی جوامع و ملت‌ها، تقویت خودآگاهی جمعی و در نتیجه افزایش همکاری، تعامل و تبادل فرهنگ‌ها و توسعه تحمل، انعطاف، تکررگویی و باز تولید آگاهی‌های بشری و ارتقای امکانات و ظرفیت‌های هویت‌های ملی قلمداد می‌کنند.^۲

واقع مطلب این است که نه تنها کشورهای اسلامی بلکه بسیاری از کشورهای اروپایی و جنوب شرقی آسیا از قبیل ژاپن، چین و کره نیز نگران جهانی‌شدن و تضعیف هویت‌های ملی و آسیب‌های فرهنگی، اخلاقی، انسانی، روانی این پدیده می‌باشند. ولی آنچه کمتر در مورد آن تلقی بدبینانه از جهانی‌شدن وجود دارد، جهانی‌شدن اقتصاد در عرصه دنیای کنونی است.

امروزه دیگر تردید چندانی باقی نمانده است که نظریه تجارت آزاد و اقتصاد بازار و فرآیند جهانی‌شدن آن، نظریه غالب در اقتصاد و تجارت بین‌المللی به حساب می‌آید.

بخش اول: کشورهای اسلامی و سازمان جهانی تجارت

در بحث از ورود کشورهای اسلامی به نظام حقوقی - اقتصادی بین‌المللی، موضوع «سازمان جهانی تجارت» مطرح است.

پیدایش این سازمان معلول این طرز تلقی و تفکر است که کشورهای اسلامی، مانند سایر کشورها، ناگزیر از ورود به نظام حقوقی - اقتصادی بین‌المللی می‌باشند و دیر یا زود باید به سازمان جهانی تجارت بپیوندند.

جهانی‌شدن اقتصاد یک پدیده تاریخی، فرآیند ریشه‌دار و فراگردی وسیع و همه‌جانبه به حساب می‌آید که در عرصه‌های مختلف سیاسی، اجتماعی و به ویژه

^۱ دکتر فریبرز درجزی، «هویت ملی و جهانی‌شدن»، روزنامه مردم‌سالاری، ۱۳۸۲/۸/۱۳، شماره ۵۲۸، ص ۴.

^۲ همان.

اقتصادی مرزهای ملی را در می‌نوردد و به عنوان واقعیتی در حال تکوین و تکامل، با شتاب بی‌نظیری همه کشورهای جهان را به نوعی در بر می‌گیرد و به گونه‌ای به هم نزدیک می‌سازد.^۳

جهانی‌شدن اقتصاد متضمن جریان آزاد کالا و خدمات است و با ابزار و مکانیسم‌های خاص خود، ذهنیت‌ها و عینیت‌ها را دگرگون می‌سازد و قاره‌های کره زمین را به هم نزدیک نموده که آن را اصطلاحاً به «دهکده جهانی» تبدیل می‌کند. جهانی‌شدن از دیدگاه اقتصادی، نه تنها هویت‌های ملی را تضعیف نمی‌کند بلکه با حفظ آن به عنوان پل رابط بین خرده فرهنگ‌های قومی و فرهنگ جهانی درصدد شکل‌دهی به آن بر اساس الگوی تعامل مبتنی بر مبادله کالاها و خدمات و طرد عقاید تنگ‌نظرانه و تعصبات نژادی، دینی و قومی است. «سازمان جهانی تجارت» به مکانی تبدیل شده است که کشورهای مختلف جهان اعم از پیشرفته و در حال پیشرفت و یا جهان اسلام، تجارت آزاد خود را بر اساس ضوابط و قواعد و معیارهای جهانی، تنظیم و در مقام رفع نیازهای دیگران و خود، موجبات شکوفایی اقتصاد کشور را فراهم می‌سازند.

بند اول: اهداف و وظائف سازمان جهانی تجارت

بحث درباره زمینه توافقات حاصله طی هشت دور مذاکرات تجاری چندجانبه از حوصله این مقاله خارج است.^۴ آنچه شایسته ذکر است، این است که دور اروگوئه، آخرین و طولانی‌ترین مذاکرات تجاری جهان به حساب می‌آید که پس از هفت سال بحث و گفت و گو طرح تأسیس «سازمان جهانی تجارت» توسط ۱۱۷ کشور شرکت کننده که ۱۱۴ کشور از آنها عضو کامل «موافقتنامه عمومی تعرفه و تجارت»^۵ بودند و حدوداً نود درصد تجارت جهانی را تشکیل می‌دادند، در آوریل ۱۹۹۳ به سرانجام رسید و اهداف و وظائفی را عهده‌دار گردید.^۶

^۳ دکتر اکبر کمیجانی، *تحلیلی پیرامون تجارت*، تهران، انتشارات مؤسسه مطالعات و پژوهشهای بازرگانی، ۱۳۷۳.

^۴ دکتر عمران نعیمی، «گات و سازمان تجارت جهانی و موانع حقوقی الحاق ایران به آن»، *تحقیق ارائه شده در دوره دکترای رشته حقوق خصوصی*، دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، نیمسال اول سال تحصیلی ۱۳۸۰-۸۱، صص ۳ به بعد.

^۵ General Agreement on Trade and Tariffs "GATT".

^۶ دکتر اکبر کمیجانی، «نگاهی اجمالی به شکل‌گیری سازمان تجارت جهانی»، *مجله پژوهشها و*

سازمان جهانی تجارت، سازمانی فراگیر و مسؤول نظارت بر اجرای موافقتنامه‌های دوجانبه و چندجانبه اقتصادی و تجاری اعضاء است. اهداف اساسی آن مشابه اهداف «گات» است که به عنوان نهادی جداگانه به کنار رفت و به بخشی از سازمان جهانی تجارت تبدیل گردید.

در یک نگاه کلی، اهداف سازمان عبارتند از:

- افزایش سطح زندگی و درآمدها؛

- تضمین اشتغال کامل؛ و

- گسترش تولید و تجارت و استفاده بهینه از منابع جهانی؛

وظائف سازمان جهانی تجارت را، موافقتنامه تأسیس سازمان به شرح زیر بیان داشته است:

۱. اجراء و پی‌گیری اسناد حقوقی دور اروگوئه و هرگونه موافقتنامه جدیدی که در آینده مورد مذاکره قرار می‌گیرد، را تسهیل نماید؛
۲. مجمعی را برای مذاکرات بیشتر در خصوص موضوعات تحت پوشش موافقتنامه‌ها و موضوعات جدیدی را که در چارچوب اختیاراتش قرار می‌گیرد، در میان کشورهای عضو فراهم آورد؛
۳. مسؤول حل و فصل اختلاف میان کشورهای عضو باشد؛ و
۴. مسؤول انجام بررسی‌های ادواری سیاست‌های تجاری کشورهای عضو خود باشد.^۷

بند دوم: اصول چهارگانه گات

نظام تجاری چندجانبه باز و آزاد گات بر چهار قاعده اساسی و ساده بنا شده است:

۱. حمایت از صنعت داخلی از طریق تعرفه‌ها

اگرچه گات خواستار تجارت آزاد است، ولی اذعان می‌نماید که کشورهای عضو آن ممکن است مجبور شوند از تولید داخلی در مقابل رقابت خارجی حمایت

← سیاستهای اقتصادی، زمستان ۱۳۷۵، شماره ۱، صص ۱۳-۱۴.

^۷ راهنمای تجاری دور اروگوئه، اثر مشترک مرکز تجارت بین‌المللی و دبیرخانه مشترک‌المنافع، ترجمه مدیریت پژوهش‌های اقتصادی و بین‌المللی، مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی، چاپ اول، ۱۳۷۵، صص ۵۰ به بعد.

کنند، با این حال گات از کشورها درخواست می‌نماید تا این قبیل حمایت‌ها را در سطوح پائین نگهدارند و آن را از طریق تعرفه‌ها فراهم نمایند. برای تضمین اینکه این اصل در عمل پی‌گیری شود، استفاده از محدودیت‌های کمی به استثنای موارد معدود، ممنوع است.

۲. تثبیت تعرفه

کشورها تشویق می‌شوند از طریق کاهش تعرفه‌ها و رفع سایر موانع فرا روی تجارت در مذاکرات تجاری چندجانبه، حمایت از تولید داخلی را کاهش دهند و در صورت امکان آن را حذف نمایند. تعرفه‌هایی که بدین صورت کاهش می‌یابند با درج شدن در جدول ملی هر کشور، دیگر افزایش نخواهند یافت. جداول بخشی لاینفک از نظام حقوقی گات به شمار می‌روند.

۳. رفتار دولت کامل‌الوداد (MFN)^۸

این قاعده مهم گات مبین اصل عدم تبعیض است. قاعده مزبور مقرر می‌دارد که تعرفه‌ها و سایر مقررات باید بدون تبعیض میان کشورها، بر کالاهای وارداتی یا صادراتی اعمال شود. بدین ترتیب هیچ کشوری آزاد نیست حقوق گمرکی بر واردات از یک کشور وضع نماید که نرخ آن بالاتر از نرخ باشد که بر واردات کالا از سایر کشورها اعمال می‌کند. با وجود این، استثنای بر این قاعده وجود دارد. تجارت در میان اعضاء ترتیبات تجاری منطقه‌ای که تابع نرخ‌های ترجیحی یا معاف از عوارض هستند، یکی از این استثنایات است. استثنای دیگر را نظام عمومی ترجیحات (GSP)^۹ پیش‌بینی نموده است. طبق این نظام، کشورهای توسعه‌یافته، نرخ‌های ترجیحی یا معاف از حقوق گمرکی را بر واردات از کشورهای در حال توسعه اعمال می‌نمایند، لکن نرخ‌های دولت کامل‌الوداد را بر واردات از سایر کشورها اعمال می‌کنند.^{۱۰}

^۸ Most-Favoured Nations.

^۹ Generalized System of Preferences.

^{۱۰} راهنمای تجاری دور اروگوئه، صص ۱۴-۱۵.

۴. قاعده رفتار ملی

در عین حال که قاعده دولت کاملاً الوداد، کشورها را از اعمال تبعیض میان کالاهای ساخته شده در کشورهای متفاوت منع می‌نماید، قاعده رفتار ملی آنها را از تبعیض میان محصولات وارداتی و محصولات مشابهی که در داخل تولید می‌شوند، هم در موضوع وضع مالیات‌های داخلی و هم در اعمال مقررات داخلی، باز می‌دارد. بدین ترتیب هیچ کشوری آزاد نیست بر محصولاتی که با پرداخت حقوق گمرکی به بازار آن وارد می‌شود، مالیات داخلی (مثلاً مالیات فروش یا مالیات ارزش افزوده) با نرخ‌هایی بالاتر از آنچه که برای محصول دارای مبدأ ملی یا داخلی قابل پرداخت است، وضع نماید.^{۱۱}

بند سوم: کشورهای اسلامی و سازمان جهانی تجارت

برخی از کشورهای اسلامی، پس از سال‌ها مطالعه درباره آثار مثبت و منفی الحاق به این سازمان، نهایتاً چنین تصمیم گرفتند تا عضویت خود را مطرح و تثبیت نمایند و از این راه گامی در جهت ورود به نظام حقوقی و اقتصادی بین‌المللی بردارند. کشورهایی که خواهان عضویت در این سازمان می‌باشند، ابتدا باید تقاضای عضویت خود را از طریق دبیرکل سازمان به اطلاع سایر اعضا برسانند. برای طرح تقاضای کشور متقاضی در شورای عمومی سازمان، همه اعضای سازمان باید موافق باشند. پس از طرح تقاضای آن کشور در جلسه شورا، یک گروه کاری متشکل از عضو داوطلب جهت رسیدگی به تقاضای عضویت تشکیل می‌شود و کشور متقاضی گزارشی از سیاست‌های تجاری خود را تهیه و به گروه ارائه می‌دهد. همزمان با این اقدامات، مذاکرات تعرفه‌ای دوجانبه با اعضای گات، طبق امتیازات درخواستی اعضا و پیشنهاد کشور متقاضی انجام می‌پذیرد و نتایج آن توسط دبیرخانه سازمان به صورت جدول تهیه می‌گردد، مرحله نهایی، رأی‌گیری در جلسه شورا است و عضویت کشورهای متقاضی منوط به کسب دو سوم آراء خواهد بود. یک ماه پس از تصویب پروتکل توسط پارلمان کشور متقاضی، عضویت به مرحله اجراء درمی‌آید.^{۱۲}

^{۱۱} همان.

^{۱۲} سند نهایی دور اروگوئه، مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی، چاپ اول، ۱۳۷۳، صص ۱۹-۱۶.

در ارتباط با سابقه فعالیت ایران برای الحاق به گات و سازمان جهانی تجارت، یادآوری چند نکته ضروری به نظر می‌رسد:

حدود چهار دهه قبل مسأله عضویت ایران در گات مطرح بوده است و نخستین گام در این زمینه به سال ۱۳۳۸ برمی‌گردد. در این سال، دولت ایران کمیته‌ای را مأمور بررسی این مسأله کرد که نتایجی دربرداشت. لازم به ذکر است که در آن سال ۴۳ کشور عضو گات بودند.

مجدداً موضوع الحاق ایران به گات در سال‌های ۱۳۴۲ و ۱۳۵۲ مطرح گردید، ولی این موضوع پی‌گیری نشد و موضوع عضویت به دست فراموشی سپرده شد. در سال‌های پس از انقلاب و تا پایان جنگ تحمیلی، اقدام قابل توجهی در این باره صورت نگرفت تا اینکه در سال ۱۳۷۰ کمیته اقتصادی هیأت دولت، وزارت بازرگانی را موظف نمود به اتفاق نمایندگان سازمان برنامه و بودجه، بانک مرکزی و وزارتخانه‌های امور اقتصادی و دارایی و امور خارجه، اثرات عضویت ایران در گات را مورد بررسی قرار دهند. وزارت بازرگانی در پایان همان سال طی نامه‌ای به کمیته اقتصادی هیأت دولت اعلام کرد که می‌توان تقاضای الحاق ایران به گات را به دبیرخانه سازمان تسلیم کرد. در اقدام بعدی در سال ۱۳۷۱، وزارت امور خارجه به رئیس جمهور وقت پیشنهاد نمود با توجه به ورود عوامل و ملاحظات جدید، روز به روز پیوستن به گات دشوارتر می‌شود، بهتر است سریع‌تر اقداماتی به عمل آید. متعاقب آن نظر موافق رئیس جمهور به وزارتخانه اعلام شد و بدین ترتیب ایران تمایل به پیوستن به گات را به طور شفاهی به دبیر کل وقت گات اعلام کرد و پس از آن در ملاقات مشاور دبیر کل سازمان و مدیر بخش تعرفه گات با مدیران سازمان‌های ذی‌ربط در تهران، تمایل ایران برای عضویت در گات کتباً اعلام شد.^{۱۳}

علی‌رغم اینکه از سال ۱۳۷۳ موضوع عضویت ایران مطرح بوده، تا چند ماه اخیر اقدام قابل توجهی در این خصوص به عمل نیامده بوده است. در ماه‌های اخیر ایران با جلب نظر کشورهای در حال توسعه و اسلامی عضو سازمان جهانی تجارت توانست درخواست خویش را چندین بار برای طرح در شورای عمومی مطرح کند اما هر بار به علت مخالفت امریکا، جزء دستور کار شورای عمومی قرار نگرفت.

^{۱۳} نعیمی، پیشین، صص ۱۴-۱۵.

بخش دوم: موانع اقتصادی و حقوقی الحاق کشورهای اسلامی به سازمان جهانی تجارت

«سازمان جهانی تجارت» این هدف را دنبال می‌کند تا موجبات استقرار نظام تجاری چندجانبه، ایجاد ثبات در قوانین، مقررات و اصول تجارت دول عضو و رشد کشورهای عقب‌مانده را تأمین نماید.

عضویت در این سازمان، بازار بزرگتری را برای اعضاء فراهم می‌کند و باب ورود کشورهای عضو را به بازارهای جهانی کشور می‌گشاید؛ حضور فعال آنها را در آن بازارها تسهیل و صنایع داخلی را به توسعه صادرات ترغیب می‌کند. با عضویت کشورهای اسلامی در این سازمان، محیط و فضای اقتصادی - تجاری کشور برای سایر کشورها روشن و شفاف شده، سرمایه و صنایع به سمتی می‌روند که در آن درآمد وجود دارد و این خود موجب تقویت الگوی توسعه می‌گردد. در بحث از موانع الحاق کشورهای اسلامی و ایران به این سازمان، غالباً از عوامل سیاسی سخن به میان می‌آورند ولی واقع مطلب این است که نسبت دادن عدم قبول عضویت به این عامل، چندان قانع‌کننده نیست. پوشش گذاشتن بر ضعف‌ها و ناتوانی‌های آشکار و پنهان اقتصاد این کشورها و عدم قابلیت رقابت و رشد آن در بازارهای خارجی، اشتباهی بزرگ و نابخشودنی است. این بررسی اجمالی، به مسأله الحاق کشورهای اسلامی به «سازمان جهانی تجارت» و آثار مثبت و منفی آن بر اقتصاد داخلی نمی‌پردازد. بلکه درصدد یافتن پاسخی برای این پرسش است که اقتصاد این کشورها و ایران چه جایگاهی در تجارت خارجی دارد و آیا ساختار کنونی اقتصاد کشورهای مذکور با اصول حاکم بر این سازمان همسویی و سازگاری دارد؟^{۱۴}

برای پاسخ به این پرسش لازم است موانع کلی اقتصاد کشورهای اسلامی و کشورمان ایران را به اختصار بررسی کنیم.

^{۱۴} محسن صادقی، «موانع اقتصادی ایران در الحاق به WTO (نگاهی اجمالی به اقتصاد ایران در بستر جهانی شدن)»، تحقیق ارائه شده در دوره دکترای رشته حقوق خصوصی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، نیمسال اول سال تحصیلی ۱۳۸۲-۸۳.

بند اول: موانع اقتصادی

بررسی کلی سیمای اقتصادی کشورهای اسلامی، به استثنای مواردی معدود، حکایت از حجم بالای تصدی‌گری دولت‌ها و تسلط آنها بر اقتصاد و تجارت دارد. شاید بتوان، موانع اقتصادی ادغام این کشورها را در نظام حقوقی و اقتصادی جهانی به عوامل زیر نسبت داد:

۱- انحصارات گسترده دولتی؛ ۲- موانع تعرفه‌ای و غیرتعرفه‌ای؛ ۳- اعطای یارانه‌های دولتی؛ و ۴- تأکید بر سیاست جایگزینی واردات به جای توسعه صادرات.

۱. انحصارات گسترده دولتی

از ویژگی‌های بارز اقتصاد کشورهای اسلامی و از جمله ایران، انحصارات گسترده دولتی است. اقتصاد اکثر این کشورها، اقتصاد بسته است. این ویژگی در کشور ما ایران، به نحو بارزی در اصل چهل و چهارم قانون اساسی، نمایان می‌شود. اصل ۴۴ مقرر می‌دارد:

«نظام اقتصادی جمهوری اسلامی ایران بر پایه سه بخش دولتی، تعاونی و خصوصی با برنامه‌ریزی منظم و صحیح استوار است. بخش دولتی شامل کلیه صنایع بزرگ، صنایع مادر، بازرگانی خارجی، معادن بزرگ، بانکداری، بیمه، تأمین نیرو، سدها و شبکه‌های بزرگ آبرسانی، رادیو و تلویزیون، پست و تلگراف و تلفن، هواپیمایی، کشتیرانی، راه و راه آهن و مانند اینها است که به صورت مالکیت عمومی و در اختیار دولت است. بخش تعاونی شامل شرکت‌ها و مؤسسات تعاونی تولید و توزیع است که در شهر و روستا بر طبق ضوابط اسلامی تشکیل می‌شود. بخش خصوصی شامل آن قسمت از کشاورزی، دامداری، صنعت، تجارت و خدمات می‌شود که مکمل فعالیت‌های اقتصادی دولتی و تعاونی است. مالکیت در این سه بخش تا جایی که با اصول دیگر این فصل مطابق باشد و از محدوده قوانین اسلام خارج نشود و موجب رشد و توسعه اقتصادی کشور گردد و مایه زیان جامعه نشود مورد حمایت قانون جمهوری اسلامی است. تفصیل ضوابط و قلمرو و شرایط هر سه بخش را قانون معین می‌کند.»

در ایران آمار چنین نشان می‌دهد که حدوداً ۸۰٪ از صنایع کشور دولتی است و از ۲۰٪ باقیمانده، بخش عمده‌ای از آن زیر نظر سازمان‌ها، مؤسسات و نهادهای عمومی فعالیت می‌کنند.^{۱۵}

مسائل مالی، ساختاری و مدیریت در صنایع دولتی، باعث شده تا سطح کارایی بسیار پائین بوده و از انعطاف‌پذیری ناچیزی برخوردار باشند.

علاوه بر قانون اساسی، قوانین عادی بسیاری از کشورهای اسلامی به نوعی بر سیطره اقتصادی دولت‌ها افزوده و از این جهت می‌تواند از موانع اقتصادی الحاق به سازمان جهانی تجارت محسوب شود. در ارتباط با کشورمان ایران و به ویژه در خصوص آن دسته از قوانین که با اقتصاد کشور رابطه تنگاتنگی دارند می‌توان از قانون انحصار تجارت خارجی و قانون صادرات و واردات نام برد.

علاوه بر قوانین یادشده، سایر قوانین اقتصادی و تجاری کشور از جمله قوانین مالیاتی، گمرکی، بیمه و بانکداری نیز متضمن مقرراتی می‌باشند که با مقررات و ساختار سازمان جهانی تجارت سازگاری ندارند و از این رو به نوعی از موانع اقتصادی به حساب می‌آیند.

۲. موانع تعرفه‌ای و غیرتعرفه‌ای

کشورهای اسلامی و از جمله ایران، برای حمایت از صنایع داخلی خود، تعرفه‌های گمرکی سنگینی برای محصولات وارداتی وضع کرده‌اند، وضع این‌گونه تعرفه‌ها، مانع اقتصادی و تجاری به حساب می‌آیند و با اصول سازمان جهانی تجارت هماهنگی ندارند.

بدیهی است با کاهش سطح تعرفه‌های سنگین گمرکی، بسیاری از کالاهای داخلی، مصرف‌کنندگان خود را از دست خواهند داد و از صحنه بازار خارج خواهند شد. یکی از دلایل این امر، عدم رشد اقتصاد کشورهای اسلامی در محیط غیررقابتی است ولی باید توجه داشت که مقررات سازمان متناسب با وضعیت اقتصادی هر کشور، انعطاف‌پذیری از خود نشان می‌دهد.^{۱۶}

^{۱۵} کمیجانی، تحلیلی پیرامون تجارت؛ صادقی، پیشین.

^{۱۶} صادقی، پیشین.

۳. اعطای یارانه‌های دولتی

به منظور رقابتی کردن محصولات داخلی با خارجی و حمایت از تولیدکنندگان داخلی و کمک به اقشار آسیب‌پذیر جامعه، دولت از بدو انقلاب اسلامی، یارانه‌هایی را در بودجه سنواتی خود منظور می‌کند و یا به بخش‌های خاصی پرداخت می‌نماید. بسیاری از این یارانه‌ها، با اصول سازمان همخوانی ندارند، زیرا زمینه‌ساز تجارت ناعادلانه محسوب می‌شوند. یک ارزیابی کلی از سیاست اقتصادی دولت‌ها در اعطای انواع یارانه‌ها این است که این‌گونه حمایت‌های گسترده و ایجاد فضای غیررقابتی برای بسیاری از صنایع، کیفیت و کارایی آنها را کاهش داده با الحاق به سازمان، بسیاری از آنها با رکود رو به رو خواهند شد.

۴. تأکید بر سیاست جایگزینی واردات به جای توسعه صادرات

مطالعه در وضعیت اقتصادی کشورهای صنعتی و پیشرفته، چنین نشان می‌دهد که یکی از دلایل موفقیت آنها در بازاریابی خارجی آن است که تولیدکنندگان این کشورها، با در نظر گرفتن نیازهای موجود در بازار جهانی، به تولید کالاهای خاصی پرداخته‌اند. آنچه در کشورهای اسلامی به چشم می‌خورد، سیاست دروازه‌های باز برای واردات انواع کالاهای خارجی است. به عبارت دیگر کشورهای اسلامی، غالباً مصرف‌کنندگان کالاهای خارجی به حساب می‌آیند. در کشور ما ایران نیز، با غافل ماندن از سیاست بازاریابی جهانی و تلاش برای یافتن جایگاهی هرچند کوچک، جهت صادرات یک یا چند نوع کالا که کشور توان عرضه و رقابت با آن را در عرصه تجارت جهانی داشته باشد، دولت تأکید را بر جایگزینی واردات گذاشته است.^{۱۷}

بند دوم: موانع حقوقی

ادغام کشورهای اسلامی در نظام حقوقی و اقتصادی بین‌المللی و پیوستن به سازمان جهانی تجارت، با تغییر و تحولات بنیادین در ساختار حقوقی - اقتصادی و تجاری این کشورها به منظور هماهنگ ساختن آنها با اصول و مقررات سازمان ملازمه دارد. در کشورهای اسلامی و از جمله ایران، وجود قوانین بسیاری، این ادغام در نظام

بین‌المللی و الحاق به سازمان را دشوار و ناهموار ساخته است.^{۱۸} در این قسمت، به برخی از این دست قوانین بدون ورود به محتویات آنها، اشاره می‌شود.

۱. قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران

علاوه بر اصل ۴۴ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران که قبلاً ذکر شد، در اینجا مروری به اصل دوم، سوم، چهارم، هشتاد و یکم و یکصد و سی و نهم قانون اساسی خواهیم داشت.

اصل دوم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران مقرر می‌دارد:

«جمهوری اسلامی، نظامی است بر پایه ایمان به:

۱. خدای یکتا (لا اله الا الله) و اختصاص حاکمیت و تشریح به او و لزوم تسلیم در برابر امر او.

... ۶. ...

ج - نفی هرگونه ستمگری و ستم‌کشی و سلطه‌گری و سلطه‌پذیری، قسط و عدل و استقلال سیاسی و اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی و همبستگی ملی را تأمین می‌کند».

اصل سوم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران می‌گوید:

«دولت جمهوری اسلامی ایران موظف است برای نیل به اهداف مذکور در اصل

دوم، همه امکانات خود را برای امور زیر به کار برد:

...

۵. طرد کامل استعمار و جلوگیری از نفوذ اجانب.

۶. محو هرگونه استبداد و خودکامگی و انحصارطلبی.

...

۱۲. پی‌ریزی اقتصاد صحیح و عادلانه بر طبق ضوابط اسلامی، ایجاد رفاه و رفع

فقر و برطرف ساختن هر نوع محرومیت در زمینه‌های تغذیه و مسکن و کار و

بهداشت و تعمیم بیمه.

...

۱۵. توسعه و تحکیم برادری اسلامی و تعاون عمومی بین همه مردم.
 ۱۶. تنظیم سیاست خارجی کشور بر اساس معیارهای اسلام، تعهد برادرانه نسبت به همه مسلمانان و حمایت بی‌دریغ از مستضعفان جهان.»

اصل چهارم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران می‌افزاید:

«کلیه قوانین و مقررات مدنی، جزائی، مالی، اقتصادی، اداری، فرهنگی، نظامی، سیاسی و غیر اینها باید بر اساس موازین اسلامی باشد. این اصل بر اطلاق یا عموم همه اصول قانون اساسی و قوانین و مقررات دیگر حاکم است و تشخیص این امر بر عهده فقهای شورای نگهبان است.»

اصل هشتاد و یکم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران تأکید دارد بر اینکه:

«دادن امتیاز تشکیل شرکت‌ها و مؤسسات در امور تجاری و صنعتی و کشاورزی و معادن و خدمات به خارجیان مطلقاً ممنوع است.»

و اصل یکصد و سی و نهم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران مشعر بر این است که:

«صلح دعاوی راجع به اموال عمومی و دولتی یا ارجاع آن به داوری در هر مورد موکول به تصویب هیأت وزیران است و باید به اطلاع مجلس برسد. در مواردی که طرف دعوی خارجی باشد و در موارد مهم داخلی باید به تصویب مجلس نیز برسد. موارد مهم را قانون تعیین می‌کند.»

غرض از نقل موارد فوق، یادآوری این نکته می‌باشد که اغلب قوانین مصوب مجلس شورای اسلامی ایران طی دوره ششم قانونگذاری که به نوعی تمایل و تلاش در جهت ادغام ایران در نظام حقوقی - اقتصادی بین‌المللی داشته از جمله قانون

جدید تشویق و حمایت سرمایه‌گذاری خارجی با استناد به اصول فوق، توسط شورای نگهبان رد شده، و ناگزیر مجوز تصویب خود را از مجمع تشخیص مصلحت نظام کسب کرده است.

مسأله عضویت ایران در سازمان جهانی تجارت، ممکن است به علت وجود اصول فوق و پاره‌ای از موانع شرعی، با مخالفت شورای نگهبان رو به رو و نهایتاً به مجمع تشخیص مصلحت نظام ارجاع گردد. این‌گونه ملاحظات در برخی دیگر از کشورهای اسلامی نیز وجود داشته و دارد.

۲. قوانین و مقررات عادی از قبیل

- قانون انحصار تجارت خارجی؛
- مقررات صادرات و واردات؛ و
- قوانین مالیاتی و گمرکی.

۳. کنوانسیون‌های بین‌المللی

طی مذاکرات طولانی دور اروگوئه که منجر به تأسیس سازمان جهانی تجارت گردید، «موافقتنامه جنبه‌های تجاری مرتبط با حقوق مالکیت فکری»^{۱۹} به عنوان بخشی از اسناد مربوطه به تصویب اعضاء رسید و از این رو تمامی اعضای سازمان جهانی تجارت خود به خود عضو موافقتنامه TRIPS نیز هستند و ملزم به رعایت مفاد و تعهدات مندرج در آن می‌باشند.

موافقتنامه TRIPS در مقدمه خود، به اهداف زیر اشاره دارد:

۱. تمایل به کاهش انحرافات و موانع تجارت بین‌الملل
۲. نیاز به گسترش و حمایت مناسب و مؤثر از IP^{۲۰}
۳. تضمین اینکه اقدامات و رویه‌های الزام‌آور IP در راه تجارت مشروع و قانونی باشد.

۴. نیاز به مقررات تازه و اصول که نه تنها شامل اصول و استانداردهای IP است بلکه همچنین شامل اقدامات مؤثر «الزام‌آور» است نیز آئین‌های حل و فصل اختلافات و ترتیبات گذرا و موقتی برای کشورهای در حال توسعه.

¹⁹ Agreement on Trade Related Aspects of Intellectual Property Rights (TRIPS).

²⁰ Intellectual Property "IP".

مقدمه همچنین اهداف بنیادی و سیاسی سیستم‌های ملی را برای حمایت از حقوق مالکیت‌های فکری که شامل هدف‌های تکنولوژیک است و نیز نیاز اساسی کشورهای عقب‌مانده به حداکثر قابلیت انعطاف در تصویب قوانین داخلی را به رسمیت می‌شناسد.

همان‌طور که می‌دانیم، «موافقتنامه TRIPS» متضمن اصول و امهات کنوانسیون‌های مهم حقوق مالکیت فکری است و رابطه مستقیمی با سایر عهدنامه‌ها و یا کنوانسیون‌های مذکور دارد. ماده ۲ «موافقتنامه» رابطه اساسی میان این موافقتنامه را با سایر عهدنامه‌ها یا کنوانسیون‌های IP به شرح زیر بیان می‌دارد:

۱. در ارتباط با بخش‌های ۲، ۳ و ۵ این موافقتنامه، اعضاء می‌باید از مواد ۱ تا ۱۲ و ماده ۱۹ کنوانسیون پاریس تبعیت کنند.

۲. هیچ یک از بخش‌های ۱ و ۵ این موافقتنامه نباید تعهدات موجودی را که اعضاء ممکن است به موجب کنوانسیون پاریس، کنوانسیون برن، کنوانسیون رم و دیگر کنوانسیون‌های مالکیت فکری در برابر یکدیگر داشته باشند، مورد خدشه و نقض قرار دهد.

به موجب این موافقتنامه، بخشی از مقررات کنوانسیون پاریس، آن‌گونه که در سال ۱۹۶۷ اصلاح شده است، برای اعضای این موافقتنامه الزام‌آور و لازم‌الرعایه است. ماده ۹ موافقتنامه، مواد ۱ تا ۲۱ و ضمیمه کنوانسیون برن را برای اعضاء لازم‌الرعایه می‌سازد. در ماده ۳۵، ماده ۲ تا ۷، ماده ۱۲ و پاراگراف ۳ ماده ۱۶ معاهده راجع به IPIC یعنی مالکیت معنوی مربوط به مدارهای یکپارچه را برای اعضاء لازم‌الرعایه می‌داند. از این رهگذر، مقررات مذکور در آن معاهدات بر دولت‌هایی که موافقتنامه TRIPS را امضاء کرده اما عضو یکی از معاهدات مذکور نیستند، قابل اعمال است.^{۲۱} علاوه بر هدف فوق که نشان می‌داد چه مقرراتی از دیگر معاهدات IP در قلمرو موافقتنامه TRIPS لازم‌الوفاء است هدف دیگر نشان دادن روابطی است که هر یک از اعضای این معاهدات در برابر یکدیگر خواهند داشت. چنانکه پاراگراف ۴ ماده ۳۰ معاهده وین، راجع به قانون معاهدات، مقرر کرده است که در این‌گونه موارد می‌باید تفکیکی بین دو دسته از روابط حقوقی قائل شد یکی روابطی که میان

²¹ Carlos M. Correa, Addulgawi A. Yusuf, *International Property and International Trade, The TRIPS Agreement*, London, Kluwer Law, 1998. pp. 4-6.

اعضای هر دو معاهده بسته شده است و دیگری روابطی که بین عضو یک معاهده و عضو هر دو معاهده برقرار گشته است. روابط دسته نخست طبعاً از رهگذر تعیین یا تفسیر قصد طرفین مشخص می‌شود. در مورد معاهده TRIPS بند ۲ آنچنان قصدی را با تأکید بر معتبر بودن تعهداتی که طرفین به موجب معاهدات پیشین نسبت به یکدیگر داشته‌اند به علاوه تعهداتی که به موجب موافقتنامه TRIPS بر عهده گرفته‌اند بیان می‌دارد. در روابط دسته دوم رابطه تابع معاهده‌ای است که بین دو طرف بسته شده است. بنابراین بین یک دولت عضو معاهده IPR و یک دولت عضو هر دو معاهده IPR و TRIPS فقط مقررات آن معاهده IPR اعمال خواهد شد.^{۲۲}

غرض از ذکر کلماتی چند درباره موافقتنامه TRIPS یادآوری این نکته است که در جهان کنونی، موضوعات مالکیت فکری یا معنوی از جایگاه ویژه‌ای در رابطه با مرادفات بازرگانی بین‌المللی برخوردار است و ادغام کشورهای اسلامی در نظام حقوقی - اقتصادی بین‌المللی، اقتضای پذیرش این حقوق را دارد و عدم پذیرش موافقتنامه TRIPS از موانع اساسی پیوستن کشورها به سازمان جهانی تجارت است. کشور ما در سال ۱۳۷۹ پس از عضویت ۱۷۷ کشور در سازمان جهانی مالکیت فکری^{۲۳} به عضویت این سازمان درآمده است. از آن تاریخ تا کنون گام‌های مؤثری در شناسایی حقوق مالکیت فکری در ایران برداشته شده ولی ایران هنوز به کنوانسیون ۱۸۹۱ برن راجع به حق مؤلف Copyright نپیوسته است و از این رهگذر مقام شایسته فرهنگ و تمدن خود را نیافته است. امروزه مؤسسات و شرکت‌های بازرگانی قریب به اتفاق کشورها، به مالکیت‌های فکری یا معنوی، به دیده یک دارایی استراتژیک می‌نگرند و از همین رو حمایت از این‌گونه آثار از اهمیت ویژه‌ای در سیاست قانونگذاری کشورهای اسلامی برخوردار است.

نتیجه

۱. نویسندگان و تهیه‌کنندگان سند چشم‌انداز ۲۰ ساله اقتصادی آینده ایران بر

^{۲۲} دکتر علی احسان شفانی، «نگاهی به موافقتنامه TRIPS»، تحقیق ارائه شده در دوره دکترای رشته حقوق خصوصی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، سال تحصیلی ۱۳۸۰-۸۱، صص ۷۸.

^{۲۳} World Intellectual Property Organization (WIPO)

این عقیده‌اند که «ایران طی ۲۰ سال آینده، به کشوری توسعه‌یافته با جایگاه اول اقتصادی، علمی و فنّ‌آوری در سطح منطقه، الهام‌بخش در جهان اسلام، متکی به اراده و عزم ملی در پرتو تلاش و کوشش جمعی و همچنین دارای تعامل سازنده و مؤثر در روابط بین‌المللی تبدیل خواهد شد.»^{۲۴}

۲. پیش‌بینی سند چشم‌انداز بر این است که: «در صورت پیوند با اقتصاد جهانی، متوسط رشد سالانه اقتصاد کشور طی ۲۰ سال آینده ۸/۶۳٪ و متوسط نرخ تورم به ۵٪ خواهد رسید»^{۲۵} و این در حالی است که جامعه و اقتصاد ایران که از نظر حجم کمتر از ۱٪ جامعه جهانی و اقتصاد آن حتی از نیم درصد تأثیرگذاری هم برخوردار نیست و خود جزء کوچک و پاره سیستمی از اقتصاد جهان است.^{۲۶}

۳. بررسی ساختار اقتصادی ایران در حال حاضر، گویای مغایرت آشکار با اصول برشمرده شده است. ایران ناگزیر است که به سازمان جهانی تجارت بپیوندد و این کار هر چه دیرتر انجام شود مراحل الحاق سخت‌تر شده تعهدات اجباری بیشتر می‌شود اما برای مصون ماندن از آثار مخرب کالاها و خدمات خارجی بر اقتصاد داخلی و یا دست کم کاهش دادن این آثار باید بستر را فراهم ساخت. دخالت دولت نباید تا حد ممکن کاهش یابد و با ایجاد امنیت ملی، زمینه را برای جذب سرمایه‌گذاری خارجی فراهم ساخت، قوانین و مقررات ناهمگون داخلی را با قواعد یکنواخت بین‌المللی همسو کرد، منابع کشور را با ورود رقبای خارجی به تولید بیشتر و افزایش کیفیت و توسعه بازاریابی ترغیب نمود، زمینه ورود تکنولوژی و فنّ‌آوری‌های جدید به کشور را فراهم ساخت و خلاصه آنکه بدانیم صرف الحاق به سازمان، نوشداروی تمام دردهای اقتصادی ایران نیست. چه بسیار کشورهایی که از عضویت آنها در گات و سازمان سال‌ها می‌گذرد بی‌آنکه در وضعیت اقتصادی آنها بهبودی حاصل شده باشد. باید خواست و برای توسعه یافتگی کشور تلاش کرد. الگو قرار دادن کشورهایی چون کره جنوبی و چین نیز در این راه می‌تواند مفید باشد.^{۲۷}

^{۲۴} دنیای اقتصاد، ۱۳۸۲/۷/۲۱.

^{۲۵} همان.

^{۲۶} ی. علوی، «آرزو یا چشم‌انداز، نقدی بر سند چشم‌انداز ۲۰ ساله اقتصادی ایران»، ماهنامه سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، سال چهارم، شماره ۳۱، آذر ۱۳۸۲، صص ۳۵-۳۴.

^{۲۷} صادقی، پیشین.

۴. اصلاحات ساختاری مانند حذف یارانه‌ها و افزایش قیمت‌ها، دولت را در مقابل مردم قرار می‌دهد اگر به افکار عمومی مراجعه شود، آرای عمومی حکم به حذف یارانه نمی‌دهد اما اگر بخواهیم به روند سال‌های گذشته عمل کنیم، عضویت در سازمان با مانع جدی رو به رو خواهد بود. در حقیقت، جامعه ایران از میان انزوا در اقتصاد جهانی و حذف یارانه‌های غیرمستقیم باید یکی را انتخاب کند. برای به دست آوردن یک مزیت، باید بهائی پرداخت، توسعه هزینه دارد و برای توسعه ایران باید هزینه آن را پرداخت نمود. اینجاست که نقش آموزش و افزایش آگاهی‌های عمومی و ایجاد زمینه اعتماد مردم به سیاست‌های توسعه‌طلبانه دولت، اهمیت می‌یابد، فرایندی که در برخی از کشورهای اسلامی شکل گرفته و راندمان مثبتی نیز در برداشته، باید در کشور ما نیز اجرا شود.^{۲۸}

۵. قانونگذار کشور پس از تعدیل سیاست‌های دولت، مقررات زیادی در جهت خصوصی‌سازی و حذف تدریجی دولت در برخی بخش‌ها وضع کرده است و قانون برنامه سوم، نقطه اوج این حرکت تلقی می‌شود. اما در قانون مزبور، صحبت از تبدیل موانع غیرتعرفه‌ای به تعرفه‌ای، تسهیل صادرات و حذف انحصار در برخی بخش‌ها شده و حتی بانک‌های خصوصی و شرکت‌های بیمه خصوصی شکل گرفته‌اند اما عملکرد آنها گویای حفظ فضای دولتی در این مجموعه‌هاست و هنوز هم شاهد بی‌رغبتی بخش خصوصی، اعم از داخلی و خارجی، به سرمایه‌گذاری هستیم. عدم وجود فرهنگ مناسب سرمایه‌گذاری، تغییرات پی در پی قوانین در عرصه اقتصادی و نبود امنیت تجاری و انزوای سیاسی و اقتصادی کشور باعث شده است تا اقدامات قانونگذار تا حد زیادی عقیم بماند. بی‌شک ایجاد ثبات در قوانین و یکساخت شدن آن و افزایش آگاهی عمومی و بازرنگری در نظام اقتصادی و دیپلماسی کشور در رابطه با برخی کشورها می‌تواند روند الحاق ایران را تسریع کند.

۶. قابلیت‌های ایران برای توسعه و پیوند با اقتصاد جهانی و ادغام در نظام حقوقی و اقتصادی بین‌المللی امری غیرقابل انکار است. اما مهم آن است که جامعه ایران با درک فضای حاکم بر جامعه چند قطبی بین‌المللی و تجارت جهانی امروز این قابلیت‌ها را به منصفه ظهور برساند.

JOURNAL OF LEGAL RESEARCH

VOL. III, NO. 1

2004-1

Articles

- Integration of Islamic Countries and Specially Iran into International Legal-Economic System and its Challenges
- Public Hearing in the Light of International Instruments and National Law
- Judicial Interpretation of the Iranian Constitution and the Practice of the Administrative Court of Justice
- International Court of Justice and Advisory Opinion on Legal Consequences Arising from Construction of the Wall by Israel in the Occupied Palestinian Territory
- The New Resolution of the IAEA Board of Governors on Iran, An Assessment of the Respect for International Law
- Concept, Legal Nature and Formalities of Buy Back Investment Contracts
- The Protection of Patents in the World Trade Organization
- Methods of Restitution of Contractual Obligation Breach in the International Sales of Goods Convention
- The Prosecution of Senior State Officials in National Tribunals for International Crimes (Some Comments on the Congo v. Belgium Case)

Special Issue : Insufficiencies of the Law of Companies in Iran

- Legal Aspects of Capital in Joint-Stock Companies (Round-table)
- The Necessity of Amendment of Iranian Commercial Code Concerning Minimum Capital of Joint-Stock Companies
- The Rights of Minority Shareholders in Merger or Consolidation of Corporations
- Control of the Activities of Directors by Governmental Agencies in English and Iranian Legal Systems
- Legal Formalities for Transfer of Shares in Joint-Stock Companies

Critique and Presentation

- Reflections on UN Security Council Resolution 1559 on Lebanese Sovereignty and Withdrawal of Foreign Forces



S. D. I. L.

The S.D. Institute of Law
Research & Study